

دومین قربانی تصادف مقابل یک روستا طی ۱۸ روز

### برخورد خودرو جان عابر پیاده را گرفت

**حادثه در شهر**

### سرقت لوازم برقی منازل در ابتدای شب

سارق یا سارقانی طی مدت زمان کوتاهی در ایام تعطیلات نوروزی دو منزل را داخل یک کوچه واقع در شهرک امام خمینی(ره) مورد دستبرد قرار دادند و وسایل خانه را به یغما بردند. به گزارش خبرنگار ما یکی از مالباختگان که مدعی شد وسایل برقی با ارزش خانه وی را به یغما برده اند گفت: در یکی از شب های تعطیلات نوروز به همراه همسرم به بیمارستان مراجعه کردیم و کارمان چند ساعتی به درازا کشید. وی ادامه داد: چند ساعتی از رفتنمان به بیمارستان نگذشته بود که از طریق یکی از همسایه ها از شکسته شدن قفل در و سرقت وسایل خانه ام اطلاع یافتم و خودم را به خانه رساندم. بعد از این که خانه را ترک کردیم سارق یا سارقان با این که هنوز ساعتی از غروب آفتاب نگذشته بود با شکستن قفل در وارد خانه شدند و وسایل برقی (تلویزیون، لپ تاپ ، جارو برقی و غیره) را به همراه کارت عابر بانک ، به سرعت بردند. بعد از کمی جستجو و پرس و جو از همسایه ها متوجه شدم که طی چند روز گذشته نیز در همان کوچه سارق یا سارقان وسایل خانه دیگری را نیز به همین روش به یغما برده بودند. بعد از این ماجرا پلیس را در جریان گذاشتیم که بعد از تحقیقات پلیس متوجه شدیم سه ساعت بعد از سرقت وسایل منزل سارق یا سارقان با کارت عابر بانکم در شهر مشهد اقدام به خرید کرده بودند که از سرعت عمل سارقان حیرت کردیم. گزارش خبرنگار ما حاکی است هر چند در گذشته مرسوم بوده است که سارقان در نیمه های شب به منازل شهروندان دستبرد می زدند اما طی سال های گذشته سارقان حرفه ای که اغلب آن ها غیر بومی هستند در ابتدای شب به منازل هم استانی ها به ویژه در ایام نوروز دستبرد زده اند. براساس اطلاعات دریافتی خبرنگار ما از کارشناسان، شگرد این سارقان به گونه ای است که در ابتدای شب وقتی متوجه خاموش بودن چراغ منزلی می شوند ابتدا با زدن زنگ منزل از خالی بودن آن مطمئن می شوند و سپس از پارک خودرویشان مقابل آن منزل با سرعت بالایی وارد منزل می شوند و با توجه به حساس نبودن اهالی نسبت به انجام سرقت در ابتدای شب بلافاصله از شهر محل سرقت متواری می شوند.

**اخبار**

#### صبحانه ای به قیمت خودرو

شخصی که برای صرف صبحانه، خودروی خود را داخل کوچه جلوی منزلش پارک کرده و به خانه رفته بود، هزینه صبحانه اش به قیمت خودرویش تمام شد. به گزارش خبرنگار ما زمانی که صاحب خودرو ماشین خود را جلوی در منزلش پارک کرد و برای صرف صبحانه به خانه بازگشت فرد یا افرادی خودروی وی را در مدت اندکی به سرقت بردند. پسر مرد مالباخته که از این اتفاق متاثر شده بود در این باره مدعی شد: چندی پیش زمانی که پدرم قصد رفتن به سر کارش را داشت اول خودرو را از پارکینگ به کوچه منتقل کرد و دوباره برای صرف صبحانه به خانه برگشت. وی ادامه داد: زمانی که پدرم بعد از صرف صبحانه بیرون رفت و خواست سوار خودرویش شود و به سر کارش برود در کمال ناباوری دید اثری از خودرو نیست و هر چقدر اطراف را جستجو کردیم اثری از خودرو نیافتیم. بعد از این اتفاق پلیس را در جریان گذاشتیم تا با کمک آنها شاید اثری از خودرو بیابیم اما تاکنون ردی از ماشین پیدا نشده است.

#### نقص فنی پیکان حادثه ساز شد

در پی نقص فنی یک دستگاه خودروی پیکان در محور بجنورد- آشخانه، این خودرو با یک عابر پیاده و خودروی پراید برخورد کرد و زمینه ساز بروز حادثه برای ۴ نفر شد. گزارش خبرنگار ما حاکی است آخر هفته گذشته در محور بجنورد- آشخانه در محدوده روستای گلی یک خودروی پیکان بر اثر نقص فنی از جاده منحرف شد و با یک عابر پیاده و خودروی پراید پارک شده کنار جاده برخورد کرد که در این حادثه ۴ نفر دچار حادثه شدند.

**کارت دانشجویی**

اینجانب مرتضی علیری به شماره دانشجویی ۹۳۱۱۹۹۹۹۴۶ رشته امور بانکی از دانشگاه حکیمان بجنورد معفود و اعتبار ندارد

۰۹۶۰۰۶۶۲

چاپ و تبلیغات مهرداد

۰۹۱۵۰۸۹۲۲۰

چاپ بنر، پلات، LED

تابلو روان، چاپبوم، برش لیزر، کارت ویزیت، طراحی لوگو، امینت

انجام کلیه پروژه های دانشجویی

۰۹۱۵۱۸۸۳۲۵۲

صادقی

آدرس: ۱۷ شهر نوپور جنوبی /نیش کوچه شهرپور ۱۷

**آگاهی-** در پی برخورد یک خودروی ۴۰۵ با یکی از بانوان روستای ... وردی خان در روز جمعه فرد مصدوم به بیمارستان منتقل شد اما روز گذشته بر اثر شدت جراحات وارد شده فوت کرد تا این روستا برای دومین بار طی ۱۸ روز گذشته داغدار شود. به گزارش

خبرنگار ما با توجه به ۴ بانده شدن محور بجنورد-بش قارداش و نبود پل روگذر و یا زیر گذر در مقابل روستای ا... وردی خان اهالی این روستا به ویژه بانوان و کودکان برای عبور و مرور به ناچار باید جانشان را کف دستشان بگیرند و از این محور عبور کنند، به گزارش

# سوداگری مرگ

**صدیقی**

سال ها از روزی که جوان شاطر به جای گذاشتن نان گرم بر سر سفره مردم، مواد افیونی را به بساط خانواده ها می برد می گذرد. او از اولین حبشش عبرت نگرفت و دوباره افسار زندگی اش را به دست دوستان سوداگر و خلاقارش سپرد اما از این راه چیزی که عایدش نشد در عوض چند سال دیگر بر مدت حبشش اضافه شد و دوباره روز از نو و روزی از نو و باید پشت میله های زندان به انتظار آزادی روزگارش را سپری کند. او که دستانش را داخل جیبش کرده و نگاهش را به زمین دوخته است با کمی مکث درباره ماجرای روزگار تاریک و سیاهش که خودش با بی خردی مسبب آن بوده است می گوید: از همان اول بلند پرواز بودم و در واقع خیلی ظاهر بین بودم و هر کسی که وارد کاری می شدو در ظاهر عنوان می کرد که شغل خوبی دارد من هم بدون تحقیق در مورد درستی یا نادرستی حرفش ادعاهای او را باور می کردم و با پیروی از او خودم را داخل چاه می انداختم.

پسر رنجور در حالی که سرش به سنگ خورده حرف هایش را این گونه ادامه می دهد: پدرم با این که سختی های زیادی در زندگی اش کشیده بود و با درآمد بخور و نمیری که از راه کشاورزی داشت زندگی می کرد اما هیچ وقت حرص و طمع در او اثر نکرد در عوض من برعکس پدرم دنباله روی دوستان نابایم بودم و آینده و سرنوشت را به کار های ناشایست آنها گره می زدم تا شاید با به دست آوردن پول ناصواب از این طریق بتوانم مدتی راحت زندگی ام را اداره کنم.

وی با اندوه و حسرت ادامه می دهد: زندگی در یک روستای کوچک سخت بود و درآمد کار کردن در نانوائی و شاطری کردن نمی توانست من را قانع کند. به همین دلیل آرام و قرار نداشتم. پدرم هر چقدر در گوشم نجوا می کرد که قانع باشم و بابت آنچه دارم شکر گزار باشم اما گوشم به این حرف ها بدهکار نبود و مدام در حال نقشه کشیدن بودم و پیمودن یک شبه راه صد ساله را در سر داشتم. از دوستان نابایم از جمله دایی ام الگو می گرفتم تا من هم مثل آنها سری توی سرها در بیاورم و به نوعی آقای خودم باشم و بالا سری نداشته باشم. پسر با کمی مکث و در آوردن دستان خود از جیبش و اشاره به یکی از دوستان زندانی اش که او نیز سرنوشتش مانند اوست و به این گرفتاری مبتلا شده است به حرف هایش ادامه می دهد و می گوید: شاطر نانوائی روستای خودمان بودم و از صبح زود بیدار می شدم و سه شیفَت تا غروب آفتاب با چند نفر دیگر در نانوائی کار می کردیم و حاصل دسترنج ما آن که نان تازه و گرم بود مردم سر سفره های شان می بردند. هر چند درآمدش کم

بود ولی حداقل وجدان ما ن آرام بود و آه کسی پشت سرمان نبود. وی چگونگی وارد شدن به کار سوداگری مرگ را این چنین روایت می کند: دایی ام با وجود این که پدرش ملک و املاک زیادی داشت اما تن پرور بود و مدام دنبال راه میانبر برای رسیدن به اهدافش بود. همیشه در

روابط عمومی جمعیت هلال احمر خراسان شمالی روز جمعه در پی برخورد خودروی ۴۰۵ وی با یک بانو، وی به شدت مصدوم و راهی بیمارستان شد اما در بیمارستان فوت کرد. بر اساس اعلام پلیس راه بجنورد در روز نخست سال جاری نیز بانوی دیگری از این روستا بر کار خلاف و فروش مواد مخدر بود و از این راه کسب منفعت ناصواب می کرد و به اطرافیانِش از جمله من فخر می فروخت. اینقدر دایی ام به این کارهایش ادامه داد و من را از کار سخت در نانوائی ناامید کرد که از کار کردن در نانوائی منصرف شدم و دنباله روی کارهای بی پایه و اساس او شدم. بعد از این که دست از کار نانوائی کشیدم با پدرم بر سر این موضوع اختلاف پیدا و از روستا به شهر نقل مکان کردم. در نزدیکی های خانه دایی ام که در حاشیه شهر بود مستقر شدم تا دسترسی راحتی به او داشته باشم. او که از کرده خود به شدت ناراحت بود با نگوشتش دایی اش به صحبت هایش ادامه می دهد: بعد از مدت کوتاهی وارد بازی خطرناک جابجایی و فروش مواد برای دایی ام شدم. هر چند اوایل خیلی دلپره و ترس داشتم اما مدام دایی ام من را دلداری می داد و به نوعی به من قوت قلب می داد و تجربه اش را در اختیار من می گذاشت. مدتی گذشت هر روز در این کار که حرص و طمع از ارکان اصلی اش بود پیش می رفتم دلپره هایم کمتر می شد و مقدار و نوع مواد را مدام تغییر می دادم تا زودتر به اهدافم بچم و برسم و در خیال خام خودم به پدرم ثابت کنم که طرز فکرش قدیمی است و در مورد من اشتباه فکر می کرده است. چند سالی به فروش مواد مخدر ادامه دادم اما شاید کسی باور نکند در این مدت پول زیادی از موادی که به افراد مختلف می فروختم دستم را نمی گرفت و افراد بدهکار از دادن بدهی شان طفره می رفتند و دست من هم به جایی بند نبود. حتی جرات بازگو کردن پیش کسی را هم نداشتم.

وی درباره آخرین باری که مقدار زیادی مواد جابجا کرد و همان موقع هم دستگیر شد چنین می گوید: روزی دایی ام نزد من آمد و پیشنهاد و سوسه انگیزی به من داد و از من خواست ۱۰ کیلو مواد از نوع تریاک را برای شخصی ببرم و دستمزد خوبی هم به خاطر این کار به من خواهد داد. من که در این مدت به قول معروف گرگ باران دیده شده بودم با کمی چانه زدن در مورد دستمزدش پیشنهادش را قبول کردم. روز بعد زمانی که به همراه مواد سر قرار رفتم تا تحویل خریدار بدهم حین معامله مواد به جای پول، دستبند سرد فلزی بر دستام گره خورد و دستگیر شدم و به زندان افتادم.

او که بعد از این اتفاق همه چیز حتی حیثیتش را از دست داد عبرت نگرفت و دوباره حرص و طمع و مشاوره غلط یکی از دوستانش بر وی غلبه کرد و بار دیگر خودش را در مهلکه ای دیگر انداخت. وی درباره چگونگی اضافه شدن بر مدت حبشش چنین می گوید: چند سالی که از مدت حبسم در زندان گذشت و زمانی که به پایان مدت حبس و آزادی ام نزدیک می شدم روزی که به مرخصی رفتم دوباره چند تن از دوستانم گرد من جمع شدند و چنان من را هوایی کردند که از مدت حبس و زندانی شدنم غافل شدم و گول حرف های بوج آنها را خوردم. در مدت اندک مرخصی ام دوباره دست به قاچاق مواد زدم و همان بار اول دستگیر شدم و به خاطر سابقه زندانی ام علاوه بر جریمه میلیونی چند سال دیگر هم به مدت حبسم اضافه شد و الان هم توانش را باید با گذراندن چند سال دیگر در زندان پس بدهم.

روز نامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

## خراسان شمالی

اثر برخورد خودرو جانش را از دست داد. علاوه بر این ۲ فرد مهرماه سال گذشته نیز بانوی دیگری هنگام عبور از عرض این محور ۴ بانده با یک خودرو تصادف کرد و جانش را از دست داد که خودروی مقصر از صحنه متواری شد.

**تلنگر**

### نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی

نشر اکاذیب از جمله جرایمی است که تحقق آن مگول به وقوع نتیجه ضرر یا تشویش نیست. در این دسته از جرایم اعمال معینی به شخص یا اشخاص نسبت داده نمی‌شود، بلکه اخبار یا مطالب بی‌اساس به‌طور کلی اظهار می‌شود. اظهار کردن به معنای فاش کردن و آشکار کردن است که در اینجا بیشتر معنای آشکار و فاش کردن مدنظر است بنابراین ظاهر یا علنی شدن کذب ضروری است.

بنابراین هر کس به قصد ضرر زدن به دیگران یا تشویش اذهان عمومی اقدام به بیان اکاذیب کند، مجرم شناخته می‌شود.

عناوین نشر اکاذیب یا اشاعه اکاذیب برگرفته از متن قانون مجازات اسلامی و شامل هر دو مصداق اعمال مجرمانه جرم یعنی اظهار اکاذیب و جرم انتساب اعمال خلاف حقیقت به دیگران است.

توصیه های لازم در این زمینه این است که هنگام شرکت در حراج های آنلاین و نیز حضور در تالارهای گفتگوی مجازی و یا دریافت ایمیل های تبلیغاتی از جمله اعلام برنده شدن در قرعه کشی های کاذب مراقب باشیم مورد فریب و نیرنگ سوداگران قرار نگیریم.

تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی اظهار کند یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت راسا یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی نصریحا یا تلویحا نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا خیر، علاوه بر اتاعده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود.

در واقع، در تفسیر آن باید بیان داشت عنصر اصلی از نظر قانونی اظهار کردن شرط وقوع جرم دانسته شده، که باید در رفتار مرتکب ظهور داشته باشد.

معاونت فرهنگی دادگستری کل خراسان شمالی

**پکیج دیواری**



**گرمایران**



**5 سال گارانتی**



**فروش ویژه**



**نمایندگی فروش و خدمات پس از فروش بزرگمهر**

- ۱۲ سال گارانتی تعویض
- ۵ سال ضمانت بیمه ایران
- دارای علامت استاندارد
- برچسب انرژی B

۰۹۱۵۳۸۴۹۹۰۱ - ۳۲۲۴۷۶۰۲

آدرس: بجنورد- خیابان آزادی- مقابل آزادی ۱۴